

اشاره

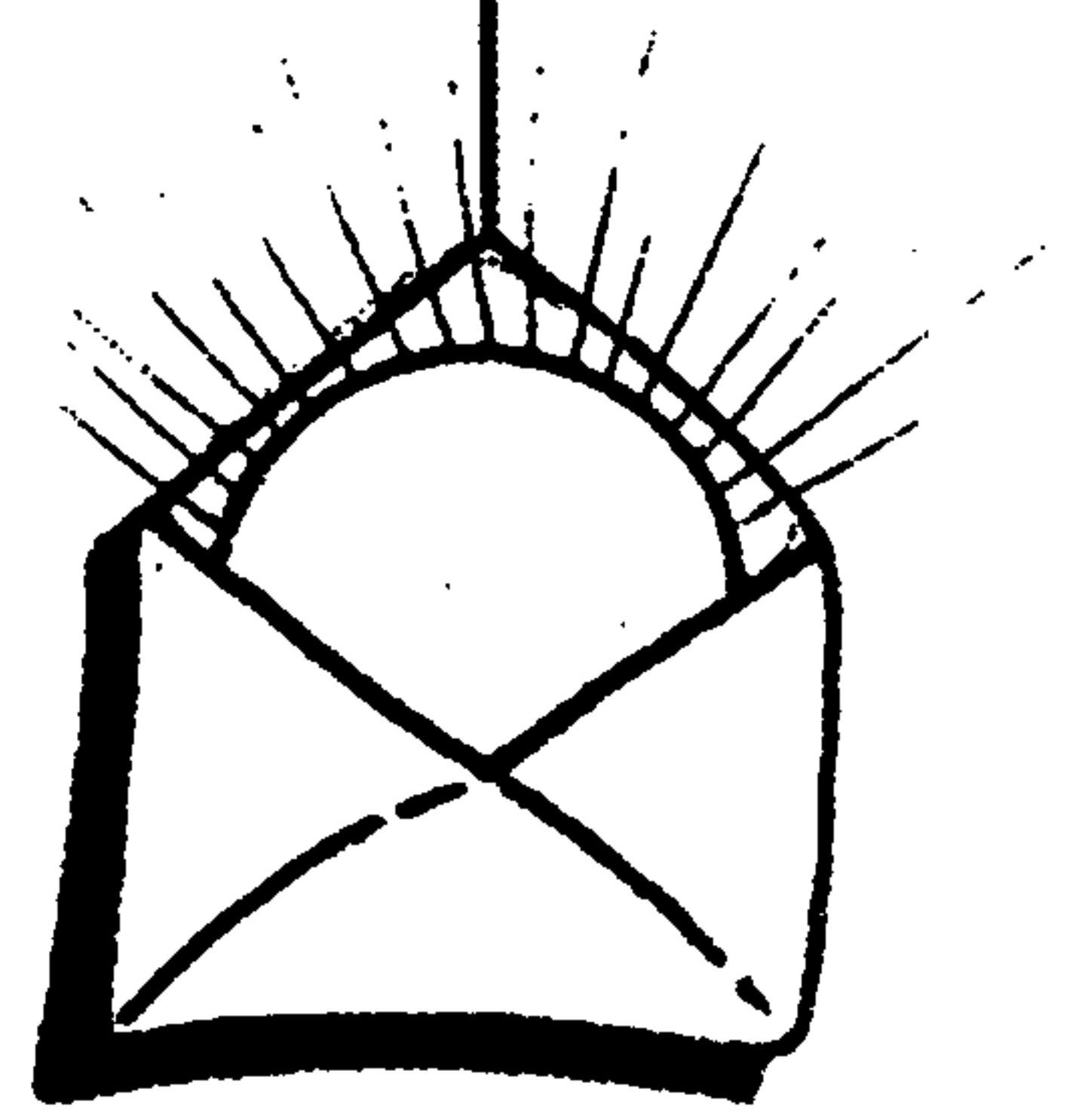
یاری کنندگان حضرت مهدی (عج) دو گروه هستند که در قیام آن حضرت مشارکت می‌کنند. گروه نخست زمینه سازان که بستر ظهور و قیام را فراهم می‌سازند و گروه دوم انصار امام زمان می‌باشند.

نوشته‌ی حاضر، چهار گروه از زمینه سازان قیام را بررسی می‌کند که از مشرق، خراسان، قم و ری و یمن هستند و نیز به دو گروه از انصار که گروهی را محکم و استوار و گروهی دیگر را مبارزه با نافرمانی می‌گویند، می‌پردازد.

به دنبال آن برنامه‌ی زمینه سازان و انصار را که در روایات مطرح شده است، بیان می‌کند.

انتظار پویا (۲)

آیت الله محمد مهدی آصفی
ترجمه: تقی متقی



انظار

۱۰۰

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۲

گروه «زمینه سازان» در منابع اسلامی

دسته‌ای از روایات که مؤید یکدیگرند، از شیعه و سنی، دربارهٔ گروه زمینه سازان رسیده است. این نصوص برخی مناطق معروف اسلامی را که این گروه از آنجا برخوانند خاست، مشخص کرده‌اند. مهم‌ترین این مناطق عبارتند از: مشرق و خراسان (که منظور از مشرق همان خراسان است)، قم، ری و یمن.

در روایات زیر، گروه زمینه سازان به مناطق فوق منتسب شده‌اند: ۱- زمینه سازان مشرق «حاکم» در مستدرک صحیحین از عبدالله بن مسعود نقل کرده است
وی گفت:

«أتانا رسول الله (ص) فخرج الینا مستبشراً یُعرف السّرور فی وجهه، فما سألناه عن شیءٍ
الّا اخبرنا به ولا سکتنا الا ابتداءنا حتی مرّ فتیة من بنی هاشم منهم الحسن والحسین، فلماً

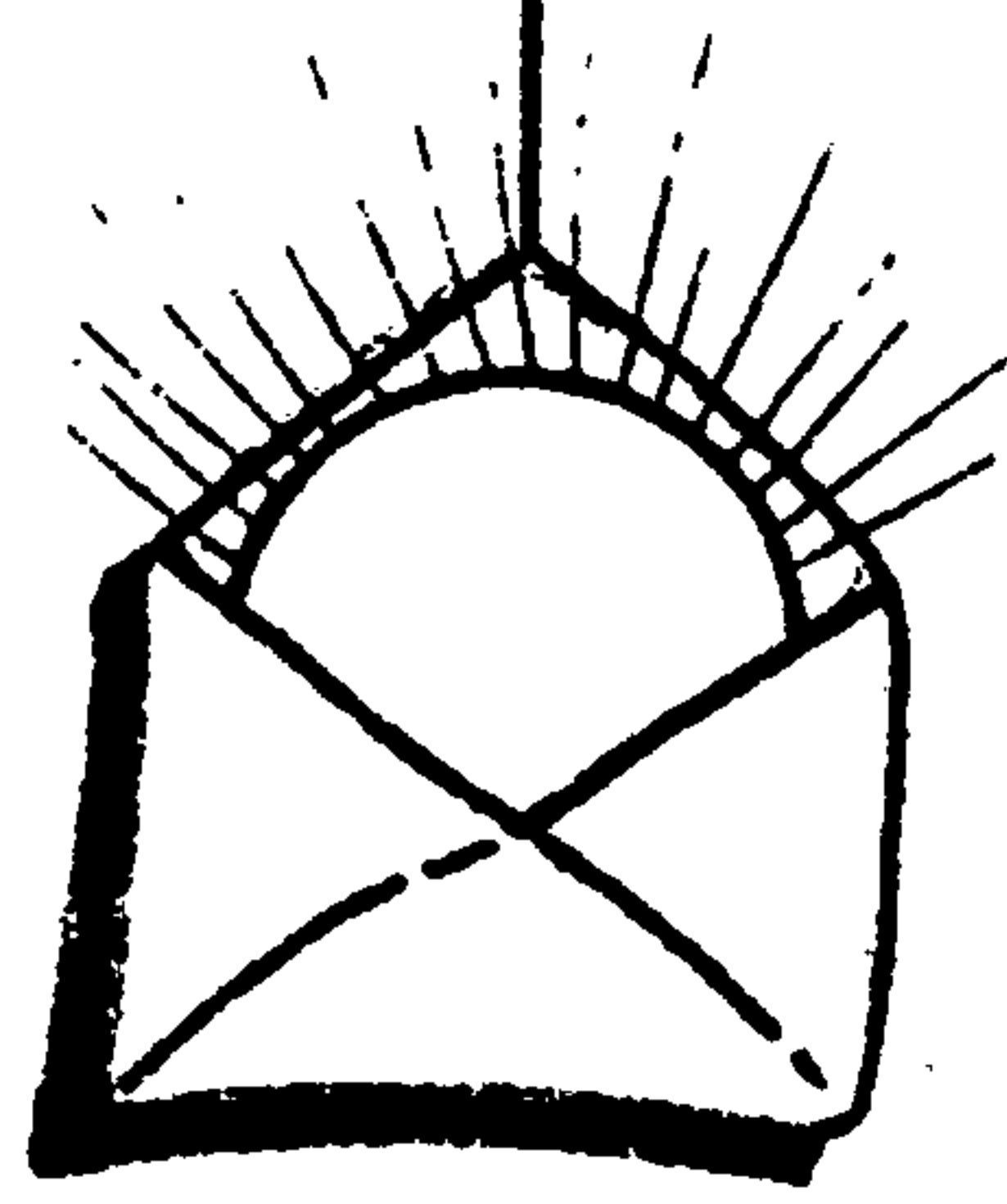
راهم التزمهم وانهملت عيناه، فقلنا: يا رسول الله، ما نزال نرى في وجهك شيئاً نكره؟ فقال: انا اهل بيت اختار الله لنا الاخرة على الدنيا، وانه سيلقى اهل بيتي من بعدى تطريداً وتشريداً في البلاد حتى ترتفع رايات سود في المشرق، فيسألون الحق لا يعطونه، ثم يسألون فلا يعطونه، ثم يسألونه فلا يعطونه. فيقاتلون. فينصرون. فمن ادركه منكم ومن اعقابكم فليأت امام اهل بيتي، ولو حبواً على الثلج، فاتها رايات هدى، يدفعونها الى رجل من اهل بيتي»^١.

«روزی [رسول خدا، صلی الله علیه وآله وسلم، با شادمانی تمام به سوی ما آمد، به گونه ای که برق شادی در نگاهش می درخشید. هر چه می پرسیدیم، پاسخ می گفت، و هر گاه سکوت می کردیم، خود شروع می فرمود؛ تا آن که گروهی از جوانان بنی هاشم - که امام حسن و امام حسین، علیهما السلام، - در میانشان بودند، آمدند که از مقابل ما بگذرند. حضرت همین که آنان را دید در آغوششان کشید و اشک از دیدگان مبارکش جاری شد. گفتیم: ای فرستاده خدا! چیست که پیوسته در چهره شما چیزی می بینیم که خوش نداریم. فرمود: ما خاندانی هستیم که خدای تعالی آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده است. پس از من خاندانم رانده و آواره شهرها گردند تا آن که پرچم هایی سیاه در مشرق سربلند کنند. حق را طلبند و بدیشان ندهند، در برهه ای دیگر حق را طلب کنند و بدیشان ندهند، و باز نیز چنین شود، پس آن گاه نبرد کنند و پیروز شوند. [سپس فرمود:] هر که از شما یا فرزندان تان چنین روزی را درک کرد نزد امامی که از خاندانم می باشد، حاضر شود. اگر چه جامه به خود پیچد و بر برف گام نهد. زیرا این پرچم ها پرچم های هدایتند که آن ها را به مردی از خاندانم تقدیم کنند.»

ابی خالد کابلی از حضرت امام جعفر صادق، علیه السلام، روایت کند که فرمود:

«كَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا شَاءُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ، أَمَانَتِي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَا بَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»^٢.

«گویا می بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند و بدیشان داده نمی شود، ولیکن از پای نمی نشینند. از این رو سلاح بر می گیرند، در نتیجه آنچه می خواستند بدیشان داده می شود، اما نمی پذیرند تا آن که قیام می کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما [امام عصر (عج)] تحویل نمی دهند. کشته شدگان از آنان، شهیدند. آگاه باشید که اگر من در آن زمان



انتظار

حضور داشتیم، وجودم را وقف صاحب این امر می کردم.»

۲- زمینه سازان خراسان

محمد بن حنفیه، در روایتی که به صورت مختلف نقل شده ولیکن ظهور دارد که از امام علی، علیه السلام، است، گوید:

«ثم تخرج راية من خراسان يهزمون اصحاب السفیانی حتی تنزل بیت المقدس توطیء للمهدی سلطانه.»^۳

«پرچمی از خراسان بیرون می آید، [حاملان این پرچم] اصحاب سفیانی را شکست داده تا به بیت المقدس می رسند و زمینه حکومت حضرت مهدی (عج) را فراهم می سازند.»

۳- زمینه سازان قم و ری

علامه مجلسی در بحار الانوار روایت کرده است:

«رجلٌ من اهلِ قم يدعو الناس الى الحق يجتمع معه قومٌ كزبر الحديد، لا تزلهم الرياح العواصف، لا يملون من الحرب ولا يجبنون وعلى الله يتوكلون والعاقبة للمتقين.»^۴

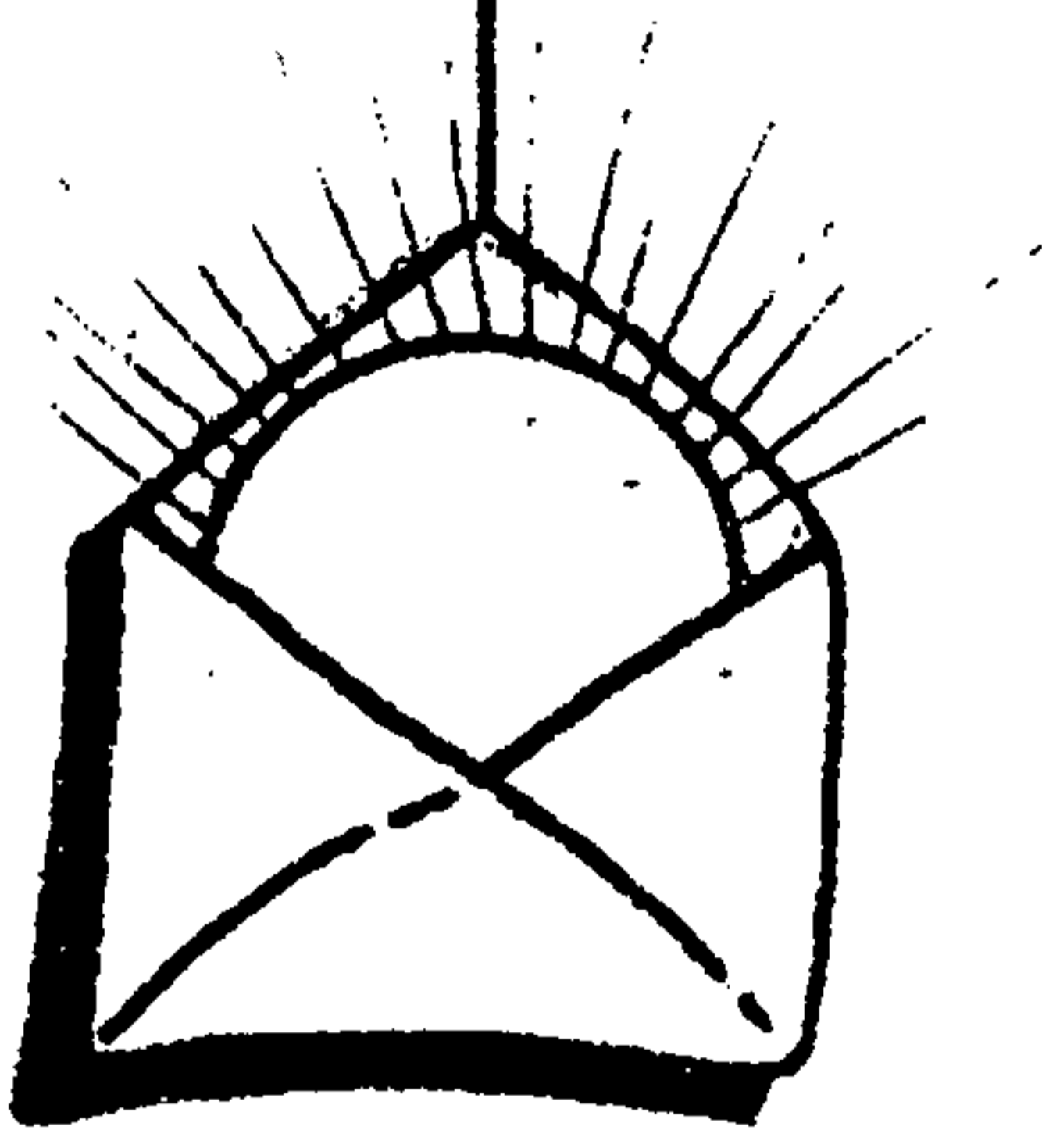
«مردی از اهالی قم مردم را به حق می خواند، گروهی که دل های آنان چون پاره های آهن است گرد او جمع شوند، طوفان های سخت نلرزاندشان، از جنگ خسته نشوند و بیمی به خود راه ندهند، بر خدا توکل کنند و عاقبت [نیک] از آن پرهیزگاران است.»

۴- زمینه سازان یمن

حضرت امام محمدباقر، علیه السلام، درباره ی رهبری یمانی قبل از ظهور امام عصر، علیه السلام، فرموده است:

«... و لیس فی الرايات اهدی من رایة الیمانی، هی رایة هدی لانه یدعو الی صاحبکم ...»^۵

«... در میان پرچم ها پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست. آن پرچم، پرچم ارشاد است؛ زیرا مردم را به سوی صاحب شما [امام عصر، علیه السلام] فرامی خواند...»



انظار

۱۰۲

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۲

نشانه‌های زمینه‌سازان ظهور

۱- گروه محکم و استوار

نخستین چیزی که در این قشر جلب نظر می‌کند، صلابت، نیرومندی و استواری آنان است. بنابراین آنان قوی و زورمندند که زمین را برای ظهور امام، علیه السلام، آماده می‌سازند. حضرت امام جعفر صادق، علیه السلام، در روایتی که محمد بن یعقوب کلینی آن را در ذیل آیه «فاذا جاء وعد اولاهما بعثنا علیکم عبداً لنا اولی بأسٍ شدید»^۶ آورده، «بندگان سخت نیرومند» را به همین قشر تفسیر کرده است.

چنان که در روایت، به صفت عجیب «قلوبهم کزبر الحديد، لا تزلهم الريح العواصف»^۷ توصیف شده‌اند. با آن که دارای «دل» هستند و طبیعت دل، نرمی و رأفت است، لیکن این دل‌ها در رویارویی با طاغوت‌ها و ستمگران به تکه‌های آهن بدل می‌شوند که دیگر نرمی و رقت نمی‌شناسند.

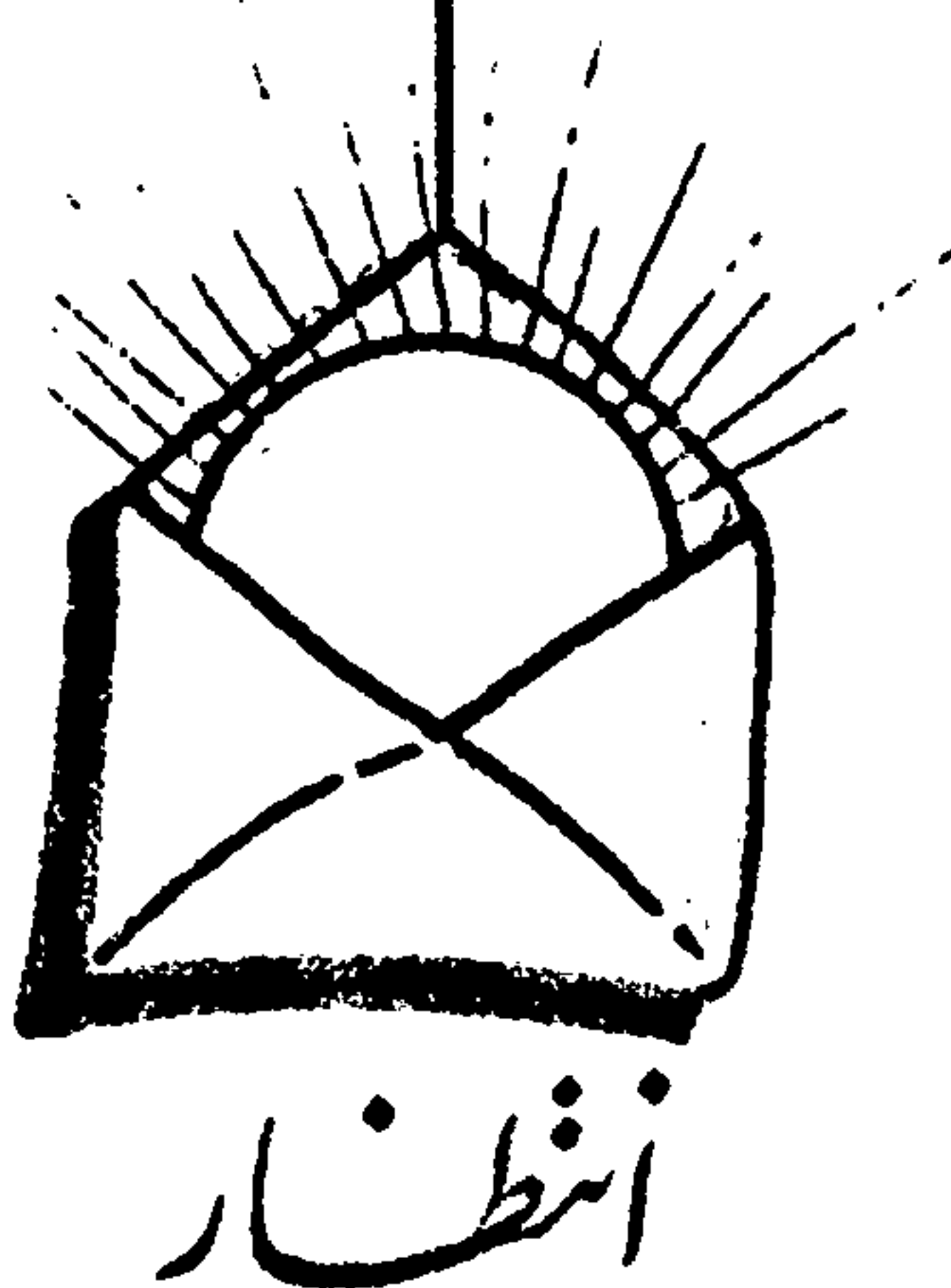
صلابت و نیرومندی از ویژگی‌های نسل‌هایی است که خدای تعالی مسؤولیت تغییر [نظام‌های اجتماعی] و ایجاد انقلاب را به دوش آنان گذاشته است، همچنین این دو صفت از ویژگی نسل‌هایی است که خدای تعالی آنان را در گردنه‌های بزرگ تاریخ برای انتقال مردم از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر برگزیده و گروه زمینه‌سازان، دارای این ویژگی‌هاست.

۲- گروه مبارزه و نافرمانی

وظیفه‌ی این گروه، مبارزه با نظام جهانی و عصیان علیه آن است. چه می‌دانی نظام جهانی چیست و چگونه این نظام در خدمت به ابرقدرت‌ها و هم‌پیمانان آن‌ها و حفظ مراکز قدرت و موقعیت استراتژیکی‌شان در مناطق مختلف دنیا عمل می‌کند؟!

مسؤولیت حفظ این مراکز قدرت، مسؤولیتی بسیار دشوار و ظریف است که نظام جهانی در تمام سطوح دنیا - نه در سطوح منطقه‌ای یا کشوری فقط - بدان پایبند است.

این نظام، از یک سری معادلات و موازنه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و خبری دقیق شکل گرفته است، و نیز از رژیم‌های اعضای خانواده‌ی جهانی و مجموعه‌ای از خطوط قرمز و سبز وزردی که در میان این رژیم‌ها و این مجموعه در زمینه‌ی حوادث، امتیازها، تنظیم نقش‌ها، تقسیم درآمدها، بازار و منابع ثروت و مناطق نفوذ برقرار است.



به نظر ما، این مجموعه پیچیده است که قدرت های بزرگ را به سلطه بر دنیا قادر ساخته است؛ چنان که یک اهرم^۸ کوچک، انسان را در جابه جایی اجسام سنگین به کم ترین حرکت، توانا می سازد. از این رو نظام جهانی، قبل و بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، همچنان نزد همگان احترامش را حفظ کرده است؛ زیرا هر یک از آنان به قدر گستره و توان خویش از این نظام بهره می برد.

این جوانان (زمینه سازان ظهور امام عصر، علیه السلام) به سادگی و بی هیچ تردیدی، این خطوط قرمز را زیر پا می گذارند، معادلات و موازنه هایی را که همه بر آن توافق دارند و بدان به دیده قبول و احترام می نگرند بر هم می زنند. همچنین استقرار و توازن و هیبت جهانی این رژیم ها و سازمان های بین المللی را بی اعتبار می سازند.

این سازمان ها و رژیم ها، نه قدرت سلطه بر این جوانان را دارند، نه قدرت تحمل اینان را و نه قدرت دفع شان را؛ زیرا بیشترین توان این حکومت ها و هیبت جهانی شان در رویارویی با حکومت ها و سازمان های همانند خودشان است و آخرین سلاح آنان قتل، زندان، شکنجه و تبعید، حال آن که این جوانان از هیچ یک از این امور نمی هراسند.

از این رو، وصفی که در روایت درباره این قشر به کار رفته، بسیار دقیق است:

«لا تزلهم الرياح العواصف، لا يملون من الحرب ولا يجبنون وعلى الله يتوكلون والعاقبة

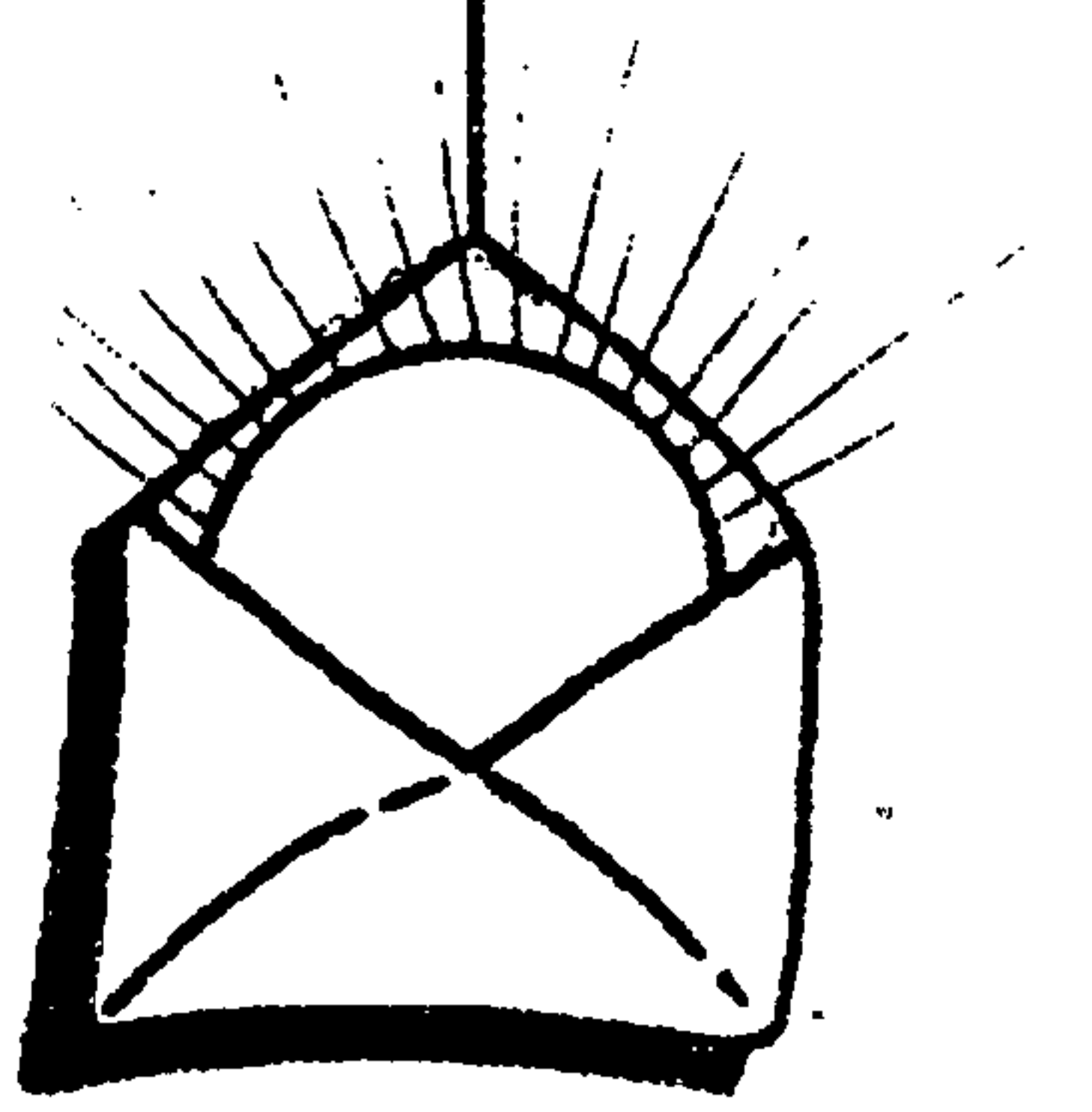
للمتقين.»

«آنان را تندبادها نلرزاند، از نبرد دلتنگ و ملول نشوند و نهراسند، و بر خدا توکل کنند و عاقبت [نیک] از آن پارسایان است.»

بی گمان آن که [در دل] هراسی ندارد، از نبرد خسته و دلتنگ نمی شود و تندبادها نیز طبیعتاً او را تکان نخواهند داد، نیرو و امتیاز اینان در آن است که نمی هراسند و مشکل اینان از دیدگاه حکومت ها و قدرت های بزرگ در همین نکته نهفته است.

در موسم انتخابات عمومی ریاست جمهوری آمریکا، در دوره رئیس جمهوری اسبق (کارتر) گفتگویی تلویزیونی در ضمن فعالیت های تبلیغاتی ای که کاندیداهای ریاست جمهوری امریکا داشتند میان رئیس جمهور اسبق و کاندیدای دیگری که در انتخابات از کارتر پیشی گرفت، برگزار شد. در این برنامه، کاندیدای اخیر رو به کارتر کرد و گفت:

«در حادثه انفجار مقر نیروی دریایی امریکا در بیروت (مارینز)، به هیبت جهانی امریکا



انظار

۱۰۴

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۳

خداشه زيادی وارد شد و تو - خطاب به کارتر - به تنهایی باید مسؤولیت کامل این خسارت را به عهده بگیری.»

رئیس جمهور نیز در یک جمله پاسخ او را چنین داد:

«فکر می کنی من در مقابل انسانی که به طلب کشته شدن آمده چه می توانم بکنم؟! نهایت کاری که می توانم بکنم این است که مردم را باترس و تهدید از امثال چنین اقدامی بازدارم، اما اگر کسی که دست به چنین انفجاری زده خود طالب مرگ باشد و به سوی مرگ آغوش بگشاید، چگونه می توانم وی را از این کار بازدارم؟ و اگر تو در موقعیت من بودی چه کار می توانستی بکنی؟!»

این ها برخی مشخصه های نسل مبارزی است که در رویارویی با رژیم ها و قدرت های بزرگ در عراق، ایران، افغانستان، لبنان، فلسطین، الجزایر، مصر، سودان و اخیراً در چین و بوسنی و هرزگوین پا به عرصه نهادند.

کار این نسل بسیار عجیب است؛ در عین حالی که در قبضه قدرت و سلطه و شلاق جلادان قرار دارد و آنان انواع عذاب ها و شکنجه ها را بدو می چشانند، بدیشان ناسزای گوید و فرزندانش در مقابل آنان سر خم نمی کنند و نرمی نمی پذیرند... و نه فریاد می کشند. چنان که یکی از این فرزندان مبارز آن گاه که زیر شکنجه های جلادان، انواع عذاب ها را می چشید، به شکنجه گر جلاد چنین گفت:

«حسرت شنیدن یک آخ راهم بر دلت خواهم گذاشت!»

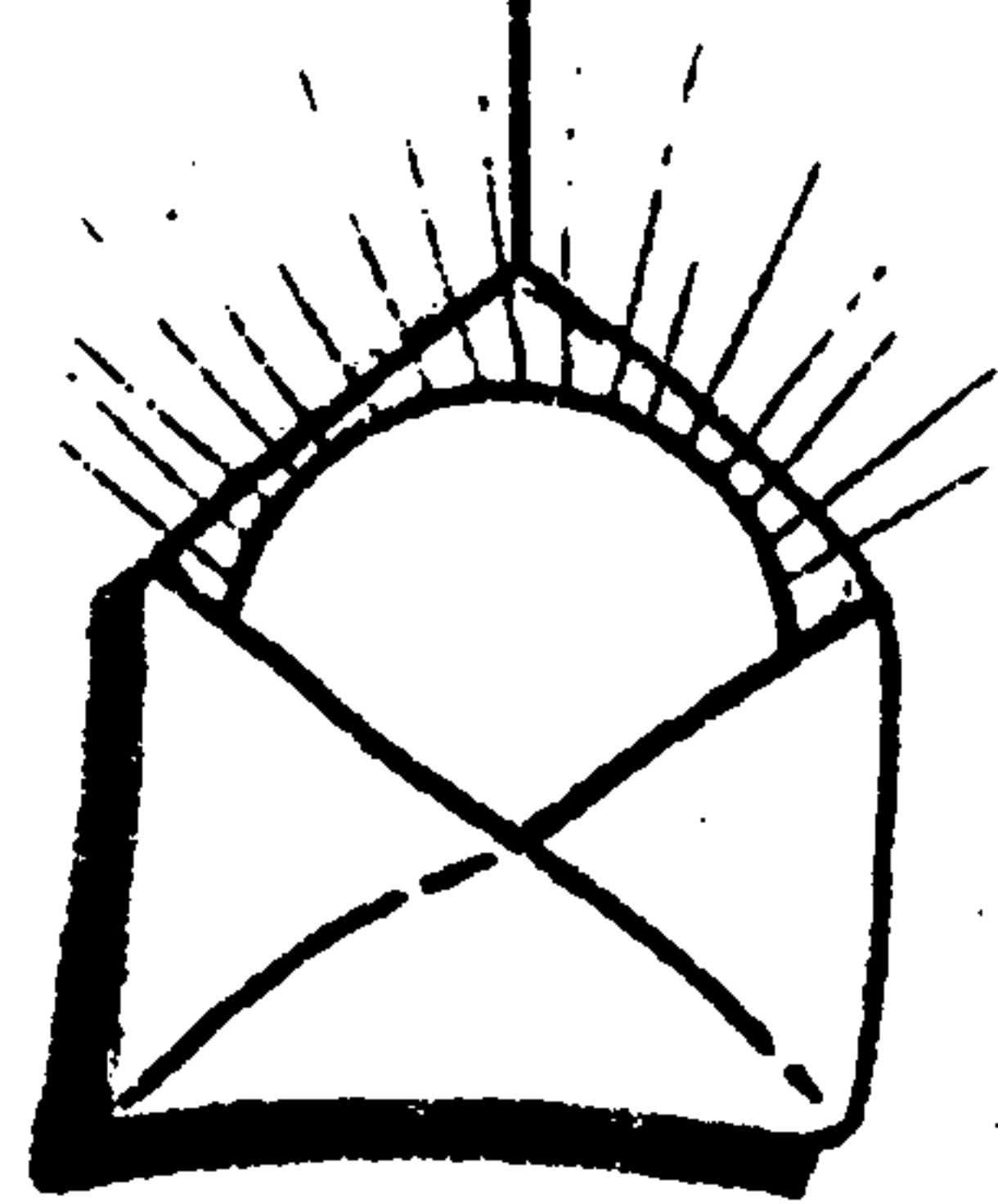
۳- بازتاب های جهانی

بازتاب های جهانی در مقابل این نسل - چنان که در روایات بدان تصریح شده است - بازتابی خشمگینانه و متعریضانه است؛ زیرا این نسل، معادلات و موازنه های جهانی را با چالش های سخت و حقیقی مواجه می سازد؛ از این رو عکس العمل های جهانی در مقابل او با عصبانیت و غضب دایمی باز شناخته می شود.

ابان بن تغلب از حضرت امام صادق، علیه السلام، چنین نقل کرده است:

«اذا ظَهَرَتْ رَايَةُ الْحَقِّ لِعَنْهَا اهل الشرق و اهل الغرب، اَتَدْرِي لِمَ ذَلِك؟ قلت: لا، قال:

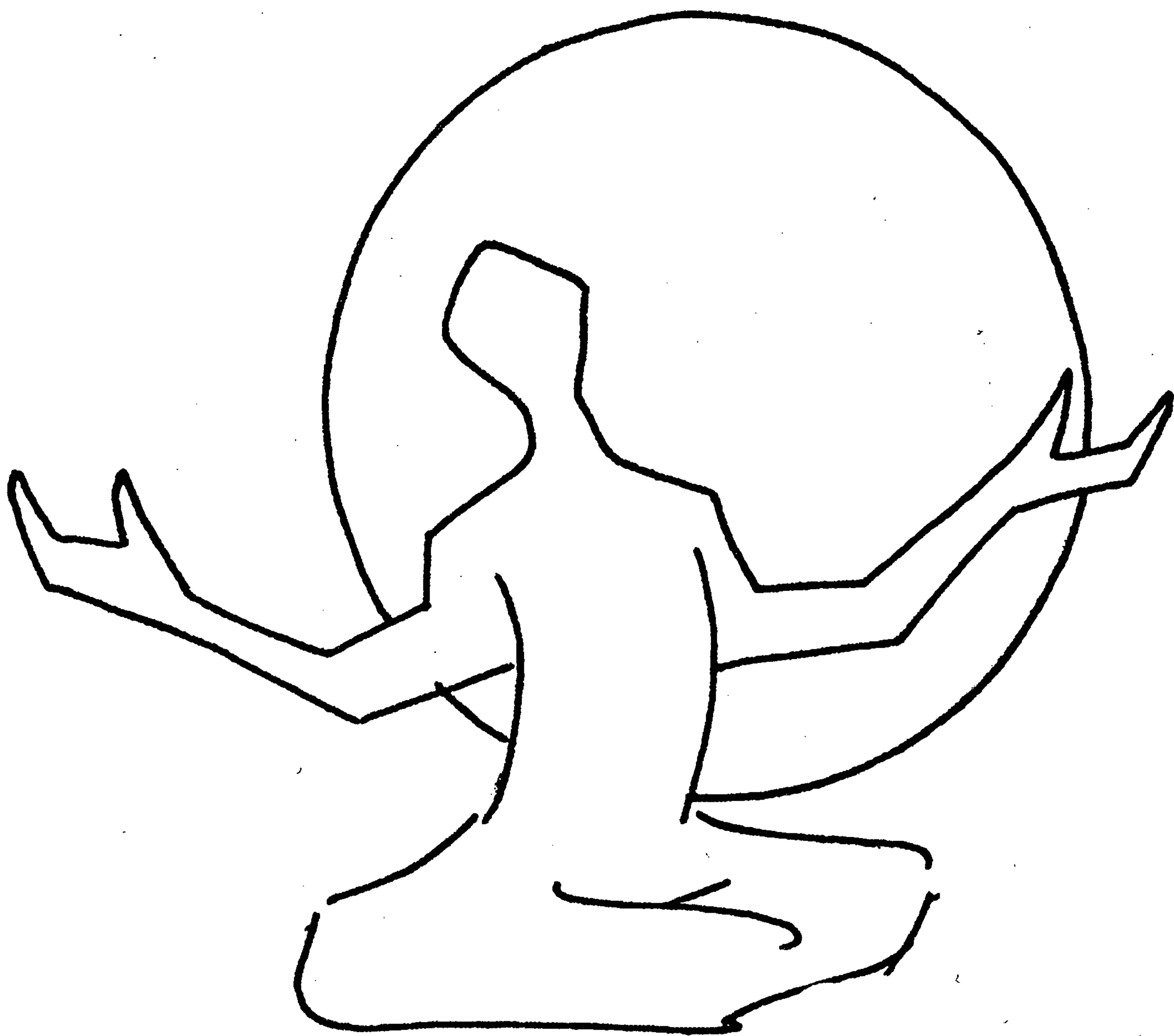
لَلَّذِي يَلْقَى النَّاسَ مِنْ اهل بيته قبل ظهوره»^۹



انتظار

۱۰۵

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۲



«آن گاه که پرچم
حق آشکار شود، اهل
شرق و غرب لعنتش
کنند. آیا می دانی، برای
چه؟ گفتم: نه، فرمود: به
دلیل مشکلات و چالش هایی
که اهل بیت او برای
[نظام های] شرق و غرب
ایجاد خواهند کرد.»
اهل بیت وی قبل از
ظهور، عادتاً زمینه سازان
ظهور هستند که مشکلاتی

را برای این رژیم ها و سازمان ها فراهم کرده و آرامش را از آنان سلب می کنند.
ثقة الاسلام کلینی در کتاب روضة کافی از امام صادق، علیه السلام، در تفسیر سخن خدای
تعالی: (بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأسٍ شدیدٍ)^{۱۱} چنین نقل کرده است:

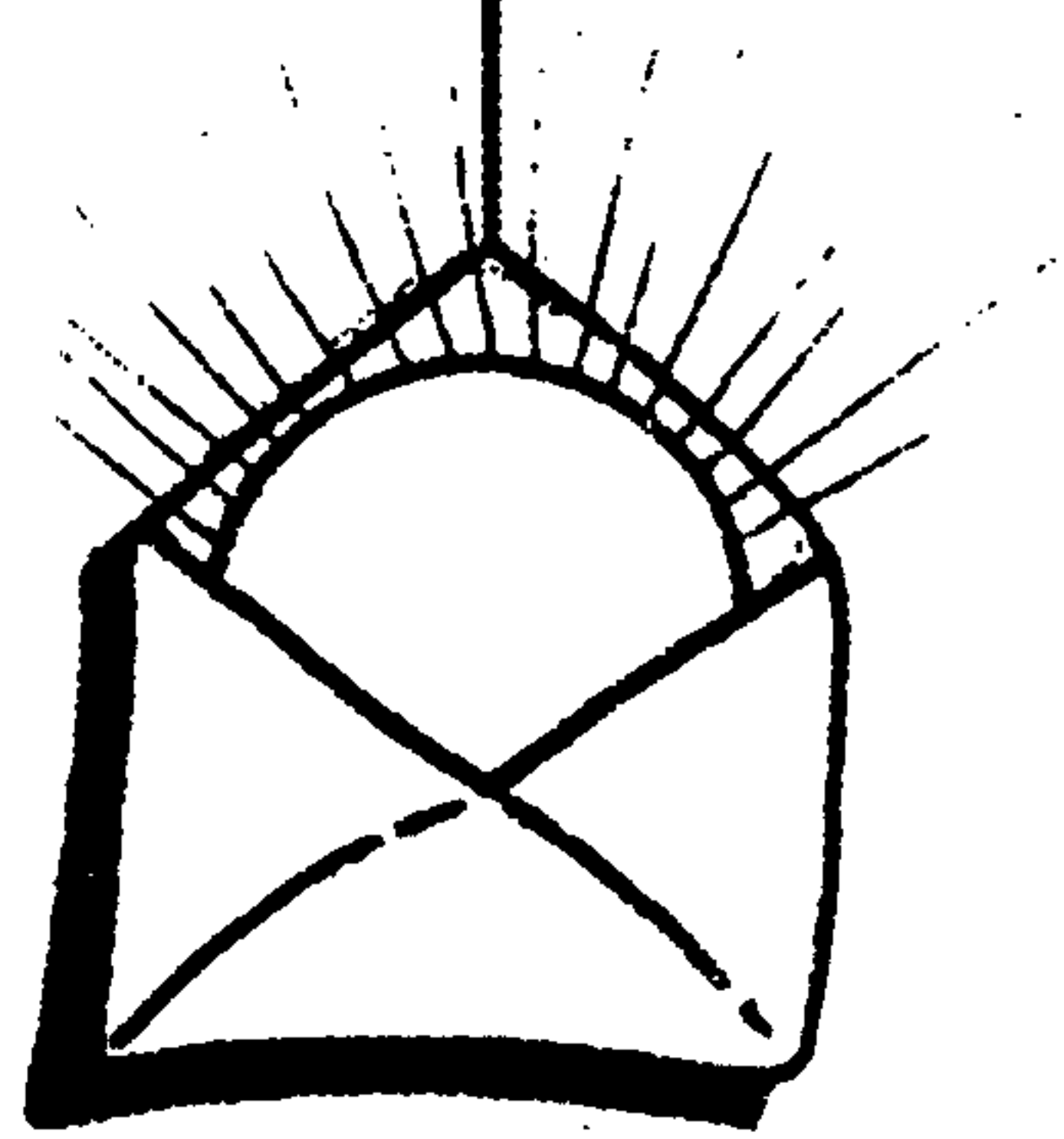
«قومٌ یبعثهم الله قبل خروج القائم فلا یدعون و اترأ لال محمد الا قتلوه»^{۱۱}

«گروهی هستند که خدای تعالی قبل از ظهور قائم، علیه السلام، بر می انگیزد، آنان هیچ
ستم کننده ای به خاندان محمد، صلی الله علیه و آله و سلم، را رها نمی کنند، جز آن که او را به
قتل می رسانند.»

بازتاب های جهانی که در این روایات ذکر شده، تا حد زیادی به عکس العمل دنیای امروز
در برابر بیداری اسلامی که از آن به «بنیادگرایی اسلامی» تعبیر می کنند و ناجوانمردانه ترین
صفات را چون خشونت و تروریسم بدان منتسب می سازند، شباهت دارد.

برنامه زمینه سازی

آماده سازی دنیا برای انقلاب امام عصر (عج) وظیفه ای گسترده، بزرگ و پیچیده است که
این گروه در رویارویی با ستمگران و طاغوت های مستکبر و سردمداران کفر بدان اقدام می کند.



انظار

۱۰۶

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۲

این ستمگران، روی هم رفته یک جبهه سیاسی وسیع را - به رغم تمام تناقضاتی که در میانشان حاکم است - تشکیل می دهند. این جبهه اهرم های قدرت زیادی در اختیار دارد؛ اهرم هایی چون مال، اقتدار سیاسی، نظامی و تبلیغاتی، ارتباطات [گسترده] و تشکیلات [پیچیده]، و از تمام این وسایل در کوبیدن بیداری نوپای اسلامی و نابودی آن بهره می برد.

از این رو، گروهی که عهده دار آماده سازی جهان برای ظهور امام عصر، علیه السلام، است، به ناچار می باید در رویارویی با این نیروها از همان تشکیلاتی که جبهه استکبار جهانی برخوردار است، برخوردار باشد. بلکه با تربیت ایمانی و جهادی و آگاهی سیاسی از دشمن پیشی گیرد. بنابراین، طرح زمینه سازی برای قیام امام عصر، علیه السلام، که گروه زمینه سازان تدارک می بینند، دارای دو جنبه خواهد بود:

جنبه اول

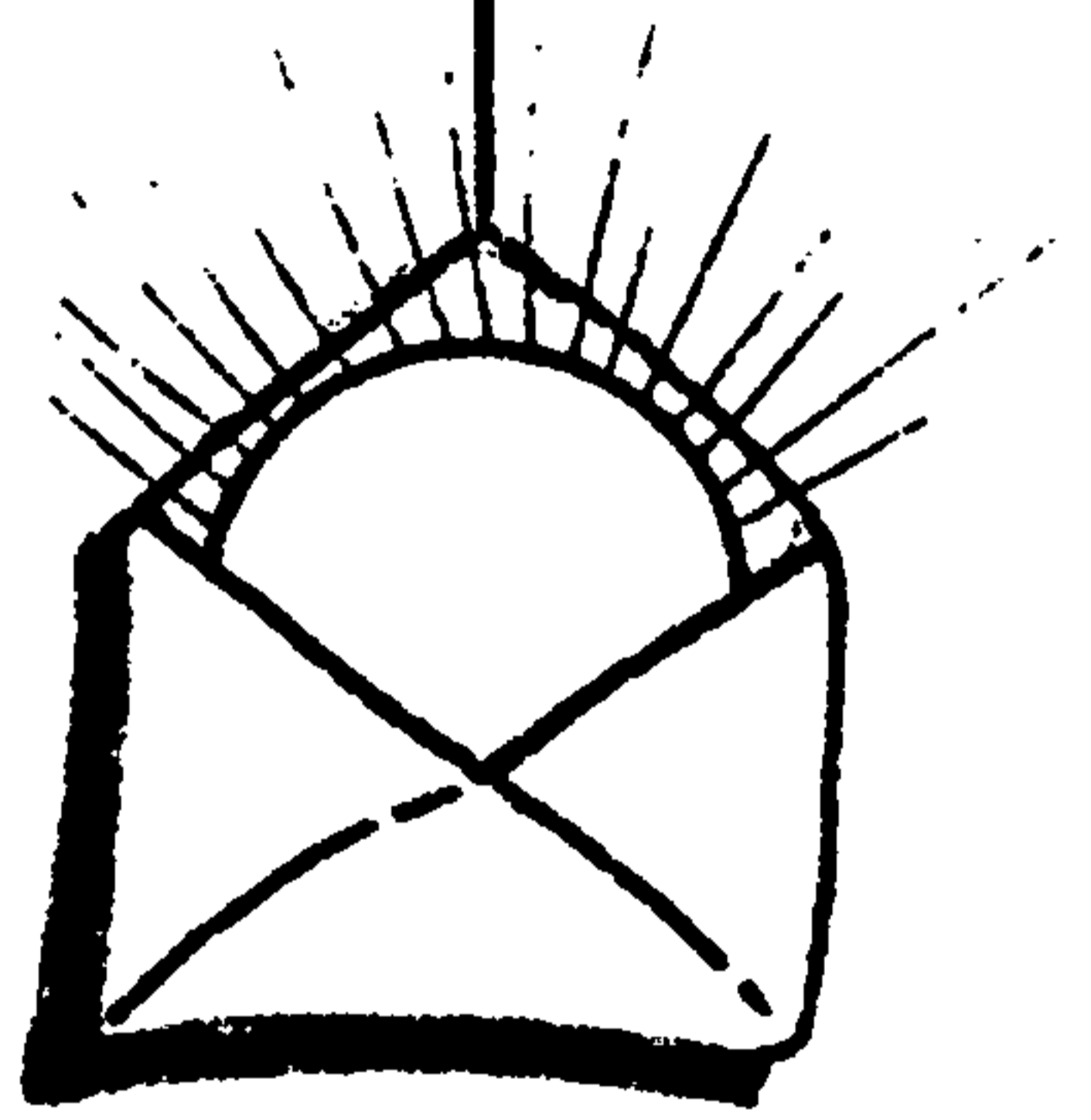
رشد ایمانی، جهادی و آگاهی سیاسی، این، دقیقاً همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است.

جنبه دوم

[ایجاد] تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اداری و اطلاعاتی که به ناچار در مانند چنین نبردی باید موجود باشد.

بی گمان، گروه مؤمنی که جهان را برای ظهور امام عصر، علیه السلام، مهیا می سازد؛ باید چنین امکاناتی را فراهم کند؛ اگرچه [در این زمینه] قدرت برابری با جبهه جهانی دشمن را نداشته باشد.

این تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی بدون وجود نظام سیاسی و دولت در جهان محقق نخواهد شد، و این، همان دولت زمینه سازان است که روایات زیادی مژده برپایی آن را داده اند و به ناچار شکل گیری چنین نیرویی در زمین، ظهور امام، علیه السلام، را نزدیک می گرداند، و بدون آن، عوامل طبیعی ظهور امام فراهم نمی آید. کسب چنین نیرویی نیازمند عمل و حرکت در متن زندگی است و فقط «مترصد» بودن و به «انتظار» نشستن، به معنی منفی آن، دردی را درمان نمی کند.



انتظار

۱۰۷

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۲

گروه انصار در روایات اسلامی

گروه زمینه سازان قیام امام مهدی، علیه السلام، قبل از «گروه انصار» پایه عرصه می گذارد و افراد گروه انصار از شاگردان نسل پیشین محسوب می شوند و از آنان به واسطه ویژگی های منحصر به فردی که دارند، بازشناخته می شوند.

در این جا، تنها یک نمونه از روایات وارد شده درباره این گروه را، که روایتی است در باب «جوانان طالقان» نقل می کنیم. این روایات را فریقین (شیعه و سنی) با اسناد خود نقل کرده اند.

جوانان طالقان

متقی هندی در «کنز العمال» و سیوطی در «الحاوی» درباره انصار امام از «طالقان» چنین نقل کرده اند:

«وَيَحَا لِلطَّالِقَانِ، فَاِنَّ لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ، وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ عَرَفُوا
اللّٰهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ اَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ.»^{۱۲}

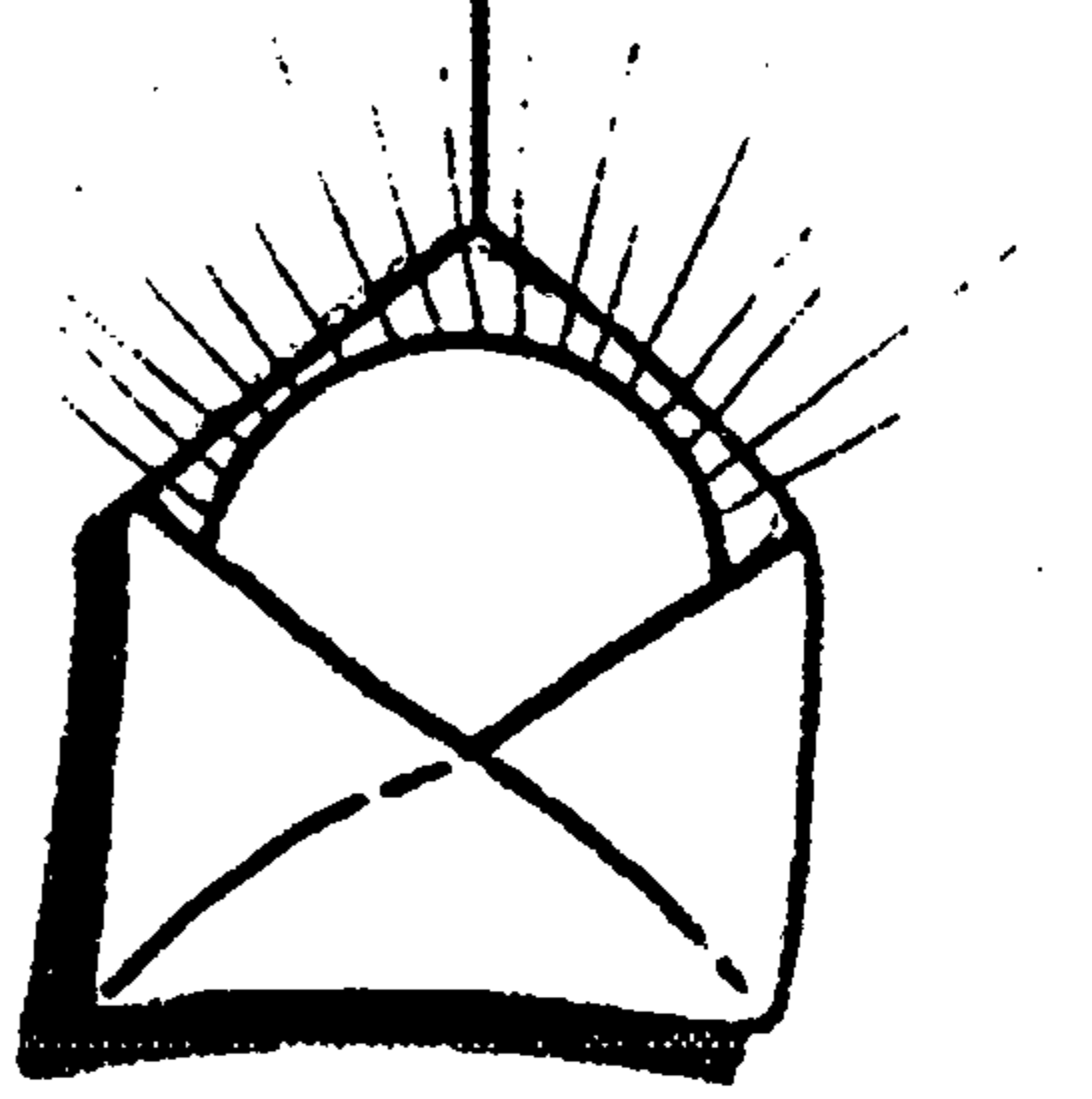
«خوشابه حال طالقان، همانا برای خدای باشکوه و بزرگ در طالقان گنج هایی است که از طلا و نقره نیست، بلکه در آنجا مردانی هستند که خدا را چنان که حق معرفت اوست، شناخته اند و آنان از یاوران مهدی، علیه السلام، هستند.»
در روایتی دیگر چنین آمده است:

«بِخِ بَخٍ لِلطَّالِقَانِ»

«آفرین، آفرین بر طالقان»

علامه مجلسی در این باره حدیث مفصل تری را نقل کرده است:

«لَهُ كُنُزٌ بِالطَّالِقَانِ مَا هُوَ بِذَهَبٍ وَلَا فِضَّةً، وَرَايَةٌ لَمْ تَنْشُرْ مُذْطُوبِتَ، وَرِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زَبَرِ
الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْجَمْرِ، لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَا زَالُوا، لَا يَقْصِدُونَ
بِرَايَاتِهِمْ بِلَدَّةٍ إِلَّا خَرِبُوهَا كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقْبَانَ، يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بَذْلَ الْبُرْكَةِ،
وَيُحَقِّقُونَ بِهِ وَيَقُونَهُ بَأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ، يَبِيتُونَ قِيَامًا عَلَى اطْرَافِهِمْ وَيُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ.
رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ. هُمْ اطْوَعُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا، كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ فِي قُلُوبِهِمُ الْقِنَادِيلَ



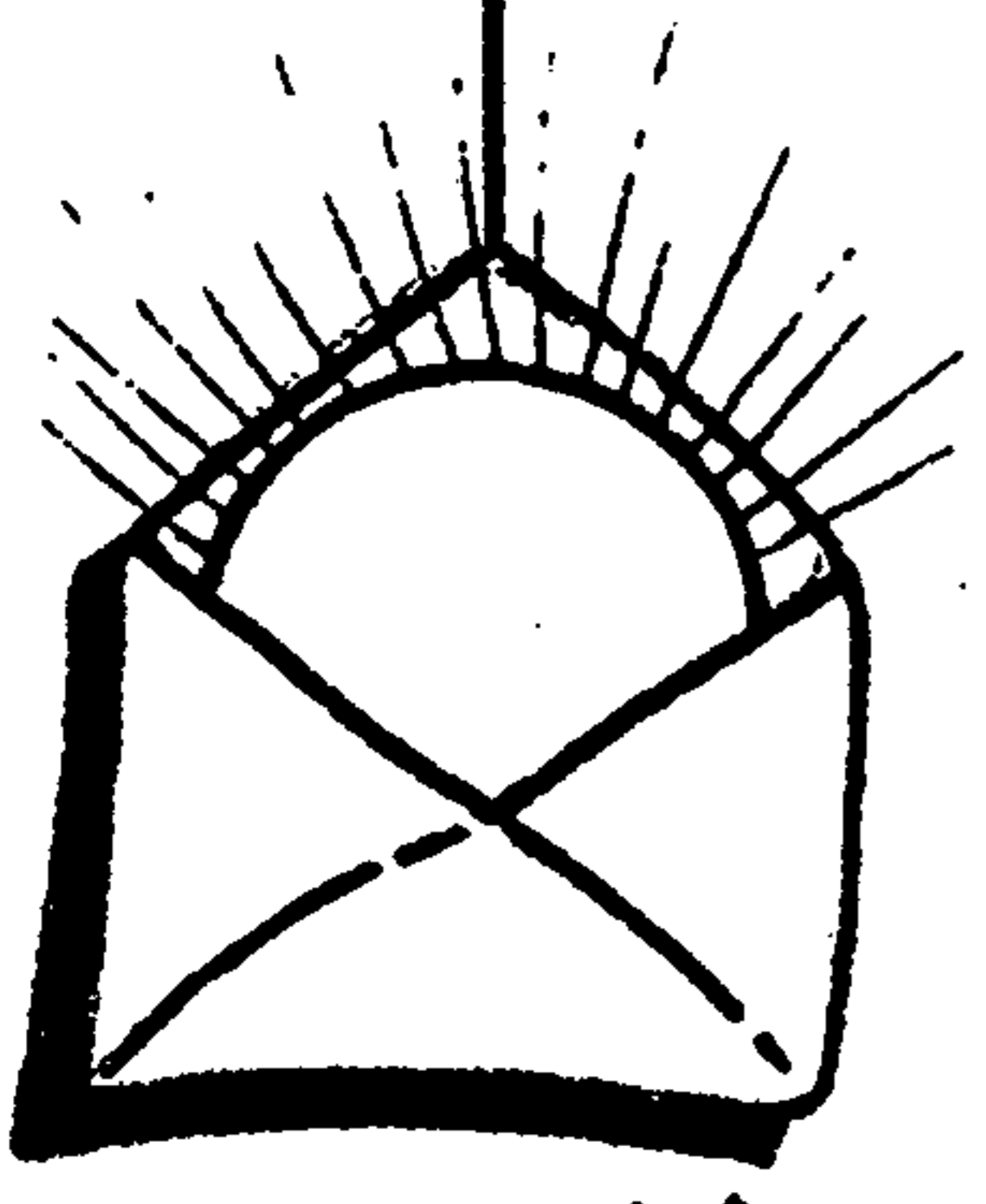
انصار

۱۰۸

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۲

وهم من خشيته مشفقون. يدعون بالشهادة ويتمنون ان يُقتلوا في سبيل الله. شعارهم: يا لثارات الحسين. اذا ساروا يسير الرعب امامهم مسيرة شهر يمشون الى المولى ارسالا، بهم ينصر الله امام الحق.»^{۱۳}

«برای او گنجی است در طالقان که [از جنس] طلا و نقره نیست، و پرچمی است که از هنگام فرو پیچیده شدن، گشوده نشده است، و مردانی است که دل هاشان پاره‌های آهن است. در دل این مردان شک در ذات الهی راه نیافته و سوزنده تر از پاره‌های اخگر است.^{۱۴} اگر به کوه‌ها حمله ور شوند، آن‌ها را متلاشی سازند، با پرچم هاشان آهنگ هیچ دیاری را نکنند جز آن که ویرانش سازند، گویی که بر اسب هاشان عقابانند. برای برکت به زین اسب امام، علیه السلام، دست کشند و گرداگرد او بگردند و در نبردها با جان خویش یاری اش کنند.^{۱۵} شب را به قیام و عبادت گذرانند و روز را بر اسبان خود، زاهدان شب و شیران روزند. اطاعت پذیرتر از کنیز به سرور خویشند. چونان چراغ‌هایند؛ انگار در دل هاشان چلچراغی‌هایی فروزان است و از بیم الهی ترسانند. برای شهادت دعای کنند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را در سر می‌پرورانند. شعارشان: «ای خون خواهان حسین! است. آن گاه که به راه افتند، ترس و وحشت پیشاپیش ایشان طول یک ماه را بپیماید. متوجه مولا شوند و به حرکت درآیند. خدای تعالی بدیشان امام حق را یاری رساند.»



انتظار

یاران امام، جوانانند

در روایات به این مسأله اشاره شده که یاران امام عصر، علیه السلام، را جوانان تشکیل می‌دهند و میانسال و کهنسال در میانشان - جز به ندرت - پیدانمی‌شود. حضرت امیر مؤمنان، علیه السلام، فرموده است:

«أصحاب المهدی شباب لا كهول فيهم، إلا كمثل كحل العين والملح في الزاد و اقلّ الزاد الملح.»^{۱۶}

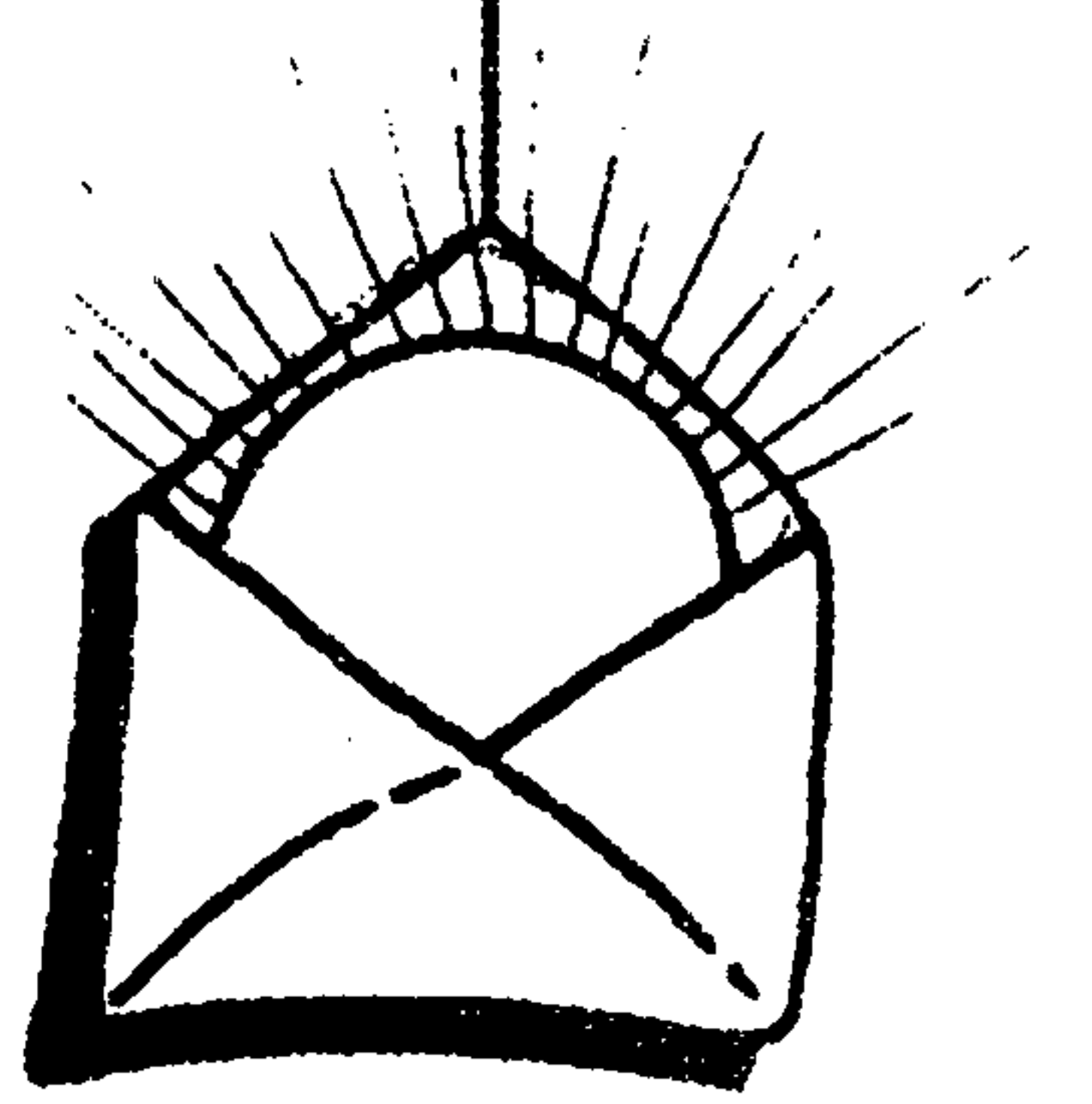
«یاران مهدی، علیه السلام، جوانند و میانسال در میانشان نیست مگر به مثل سرمه چشم و نمک در غذا و نمک [همیشه] کم تر از غذاست (کنایه از آن که پیران بسیار کم هستند).»

تعداد فرماندهان یاران امام

حضرت امام باقر، علیه السلام، در روایتی مفصل در این باره چنین فرموده است:

«فيجمع الله عليه اصحابه [وهم] ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً، ويجمعهم الله على غير
 ميعاد... فيبايعونه بين الركن والمقام ومعه عهد من رسول الله (ص) قد توارثته الابناء عن
 الاباء...»^{۱۷}

«و خداوند بی هیچ میعادى یارانش را برای وی گرد می آورد، در حالى که سیصد و سیزده
 نفرند... و حد فاصل رکن و مقام [ابراهیم] با امام، علیه السلام، بیعت می کنند و با آن حضرت
 عهدى است از رسول خدا که پشت در پشت از پدرانش به ارث برده است.»
 در برخى روایات این تعدادى که با امام عصر، علیه السلام، بیعت می کنند - در حد فاصل
 رکن و مقام - تعداد فرماندهان لشکر امام، علیه السلام، معرفی شده اند.



اخبار

۱۱۰

سال سوم / شماره هفتم / بهار ۸۲

پی‌نوشت‌ها:

۱. مستدر الصحیحین، حاکم نیشابورى، صفحات ۴، ۴۶۴ و ۵۳۳.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، (دار احیاء التراث العربی و مؤسسه تاریخ العربی، لبنان)؛ و نیز غیبت نعمانى، انتشارات صدوق، باب ۱۴، ح ۵۰.
۳. عصر الظهور، ص ۲۰۶.
۴. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶؛ و نیز سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.
۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.
۶. سوره اسراء (۱۷) آیه ۵: «پس آن گاه که وعده تحقق نخستین آن دو فرارسد، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم...»
۷. دل هاشان همچون پاره‌های آهن است که طوفان‌ها آنان را نلرزاند.
۸. اهرم: میله آهنی ضخیمی که به وسیله آن اجسام سنگین را جابه جامی کنند.

۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳.
۱۰. سوره اسراء (۱۷) آیه ۵: «بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم.»
۱۱. کافی، ج ۸ (روضه)، ح ۲۵۰، ص ۱۴۲ (دار الاضواء بیروت)؛ سیمای حضرت مهدی در قرآن، سید مهدی حائری قزوینی، نشر آفاق، ص ۲۱۳.
۱۲. کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶.
۱۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.
۱۴. در نسخه‌ای دیگر به «سخت تراز سنگ» تعبیر شده است.
۱۵. در برخی نقل‌ها پس از این جمله، فقره‌های زیر اضافه شده است: «ویکفونه ما یرید فیهم، رجال لا ینامون اللیل، لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل»؛ «هر انتظاری که امام از اینان داشته باشد، کفایتش کنند، مردانی هستند که شب نمی خوابند. در نماز خویش صدایی چون صدای زنبوران عسل دارند (کنایه از ابتهالی که در نماز دارند).»
۱۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.
۱۷. همان، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.